فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و سه. تابستان ۱۳۹۸، صص۲۱۲-۱۹۷ Vol 3. No 33. 2019, p 197-212
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

حضانت

عبدالرضا مبارکی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. ایران

چکیده

یکی از مباحث مهم و مبتلابه در حوزه حقوق خانواده که از ابعاد مختلف اعم از اجتماعی، روان‌شناسی، تربیتی و حقوقی حائز اهمیت است موضوع پایان حضانت می‌باشد و قواعد حاکم بر آن به دلیل رابطه تنگاتنگ با جنبه عاطفی، تربیتی و اجتماعی دارای پیچیدگی و حساسیت خاصی است و علیرغم وجود مسائل متعدد در حوزه حضانت قانون‌گذار ما در خصوص بیان حکم بصورت کلی در قانون مدنی قواعدی را وضع کرده است. در حقوق ایران، دختر بعد از رسیدن به نه سال تمام قمری و پسر بعد از رسیدن به پانزده سال قمری بالغ محسوب می گردد و بعد از رسیدن به سن مزبور کودک یا طفل اطلاق نمی گردد بدین جهت بعد از سنین مذکور تکلیف حضانت اصولاً ساقط و مدت آن پایان می پذیرد. البته هر نوجوان بعد از رسیدن به سن بلوغ و قبل از ورود به جامعه هنوز احتیاج به مراقبت دارد. به همین دلیل در عین حال که بعد از سنین مذکور حق حضانت ساقط می گردد ولی درعمل و از لحاظ مصلحت فردی و اجتماع، پدر و مادر باز هم خود را مسئول احساس می کنند و حضانت اطفال را تا رسیدن به مرحله استقلال عملی ادامه می دهند. این نظارت در دختر تا زمان ازدواج و در پسر تا زمان اشتغال به وظیفه وجود دارد. به همین جهت محدود کردن مدت حضانت به سن نه سال در دختران و پانزده سال در پسران بر خلاف عرف و مصلحت بوده و قابل انتقاد است.

واژه‌های کلیدی: حضانت، آراء وحدت رویه، بلوغ، فقه.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقدمه:

مطالعه و بررسی موضوعات مربوط به حقوق خانواده و خصوصاً قواعد حاکم بر روابط متقابل والدین و فرزندان، از جمله مباحث فنی و دقیقی است که علاوه بر بعد فقهی و حقوقی، دارای ظرافت و حساسیت‌های خاص عاطفی، تربیتی و اجتماعی می‌باشد. بدین سبب تنظیم و تنسیق قواعد کلی که به تمامی روابط موصوف حکومت نماید، ثقیل و بعضاً غیر ممکن است و چه بسا در بسیاری از موارد نتوان برای روابط عاطفی و شیوه‌های تربیتی و نحوه نگهداری فرزندان، قاعده‌ای آمره وضع و اجرا نمود زیرا این نوع روابط عموماً ارتباط تنگاتنگی با آداب و رسوم و آموزه‌های فرهنگی و عقیدتی دارد. خانواده هسته اصلی اجتماع و کودک مرکز و کانون این هسته را تشکیل می‌دهد چنانچه به کودکان و نیازها و مقتضای کودکی آنان توجه گردد بیشتر ناهنجاری‌ها از بین می‌رود تربیت و پرورش صحیح کودک، سلامت اجتماع را تضمین کرده و تأثیر مستقیم بر جامعه خواهد داشت. حضانت به عنوان یکی از مراحل مهم و تأثیر گذار در زندگی هر فرد، جزء فرصت‌ها واختیاراتی است که خداوند متعال به انسان داده است تا بدین وسیله ضمن برآورده ساختن نیازهای عاطفی خویش بتواند از نوع بشر هم حمایت وحضانت کند به همین سبب شارع مقدس در آئین الهی با وجود تنوع شریعت‌ها نظیر یهودیت، مسیحیت و اسلام قواعد و احکام خاصی را در زمینه حضانت و نگهداری در نظر گرفته است علاوه بر آن در مکاتب فلسفی نیز به این امر عنایت گردیده و فیلسوف نامداری مانند افلاطون در کتاب جمهوری حضانت و کفالت فرزندان مدینه فاضله‌ی خود را در اختیار دولت مرکزی قرار داده و به برخی از جزئیات نگهداری آنان اشاره کرده است بنابراین می‌توان گفت مسئله حفاظت ازکودک علاوه بر عاطفه ریشه در قوانین وشریعت دارد با این وجود، حضانت و تربیت و نگهداری فرزندان نسبت به سایر حوزه‌های حقوق مدنی، کمتر مورد توجه حقوق‌دانان ما بوده است و معمولاً در کتابهای مربوط به حقوق خانواده به صورت کلی مورد اشاره قرار گرفته است در صورتی که عملاً حجم وسیعی از پرونده‌های محاکم خانواده به موضوع حضانت، ملاقات و نفقه فرزندان اختصاص دارد و در بسیاری از موارد به دلیل فقدان نص یا سکوت قانون‌گذار و عدم ارائه مقررات خاص وجامعی در این زمینه همچنان محاکم با مشکل مواجه هستند. یکی از مواردی که در این زمینه همچنان با مشکل و خلا بیشتری روبه رو است مسئله حضانت است فلذا در این تحقیق ضمن مطالعه و تحلیل حقوقی قواعد و مقررات مربوط به حضانت می باشد. البته در این تحقیق سعی بر آن بوده با نگرشی فقهی و حقوقی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱- تعریف حضانت

حضانت در لغت (به فتح و کسر حاء) به معنای ضمیمه کردن شیء به خود است. حضن عبارت است از پهلو یا سینه و بازو ها ومابین آن ها، وقتی می گوییم «حضنت الشیء و احتضنته» یعنی آن را به سینه چسباندم، یا «حضنت الام طفلها» به معنای چسباندن طفل به سینه می باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۷۷). حضانت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

در اصطلاح فقهی، تربیت طفل و انجام امور و شئون مختلف او می‌باشد که عبارتند از فراهم کردن غذا، لباس، خواب، نظافت طفل و نگهداری و مراقبت آن از آنچه که موجب ضرر و هلاکت اوست (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۳). چنان که می‌بینیم معنی اصطلاحی حضانت نیز از معنای لغوی آن دور نیفتاده است. قانون مدنی حضانت را تعریف نکرده اما از مجموع قوانین مربوط به حضانت برداشت می‌شود که حضانت نگاهداشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است با رعایت حق ملاقات که برای خویشان طفل شناخته شده است. بنابراین حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی از کودک است هرچند که حمایت روحی و اخلاقی طفل نیز در این نهاد حقوقی هم در حقوق اسلام و هم در قوانین ایران منظور نبوده است. بدین جهت در حقوق اسلامی گفته اند شخصی که حضانت طفل به او واگذار می شود باید آزاد، مسلمان (در صورتی که طفل مسلمان باشد) و امین باشد. همچنین مادری که عهده دار حضانت است نمی تواند طفل را از شهر به روستا ببرد، زیرا تعلیم و تربیت کودک در شهر بهتر از روستا تأمین می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۹). کلمه ی تربیت نیز که فقهاء در تعریف حضانت به کار برده اند مؤید همین معنی است یعنی حضانت دارای دو جنبه جسمی و روحی، مادی و معنوی است و اختصاص به پرورش جسمی ندارد. قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۷۳ به جنبه ی معنوی و اخلاقی حضانت اشاره می کند. این ماده مقرر می دارد که هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادری که طفل تحت حضانت اوست، تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد دادگاه می تواند هر تصمیمی را که درباره حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. در بعضی کشور های اسلامی قانون گذار حضانت را تعریف کرده است. از جمله در ماده ۱۷ مقررات احوال شخصیه مراکش حضانت چنین تعریف شده است: «حضانت عبارت از نگهداری و حضانت طفل در مقابل خطر و ضرر است به قدر توانایی و استطاعت و همچنین اقدام به تربیت طفل و حفظ منافع و مراعات مصلحت وی». در قانون احوال شخصیه تونس نیز حضانت، حفظ طفل و اقدام به تربیت او دانسته شده است (صفائی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

در قوانین برخی از کشور های اسلامی از جمله سوریه و عراق تعریفی از حضانت نشده است همان طور که در قوانین ایران تعریفی از آن به عمل نیامده است. شاید متنوع بودن امور و تکالیف مربوط به حضانت سبب شده که مقنن متعمداً از تعریف حضانت خودداری و تشخیص مفهوم و محتوای آن را به عرف واگذار نماید.

۲- مشروعیت حضانت در حقوق ایران

اصل بیست و یکم قانون اساسی درباره‌ی یکی از حقوق زنان مقرر داشته است:

«حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست».

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد ۱۲ ماده از قانون مدنی (مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹) به مسئله حضانت و نگهداری از کودکان اختصاص یافته است. طبق ماده ۱۱۶۸، حضانت هم حق و هم تکلیف ابوین است. لذا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

والدین نمی‌توانند آن را اسقاط و یا به دیگری واگذار کنند یا در طلاق خلع آن را به عنوان عوض تعیین نمایند. تا جایی که عده ایاز حقوق‌دانان با استناد به این ماده مادر حضانت کننده را مستحق دریافت اجرت نمی‌دانند (صفائی، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

همچنین ماده‌ی ۱۱۷۲ ق. م مقرر نموده است:

«هیچ یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌ها است از نگاهداری او امتناع کند. در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید. . . . نگاهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند».

در ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۵۳ به موضوع امتناع والدین از حضانت و ضمانت اجرای آن نیز اشاره شده است.[1] با این حال، قانون‌گذار حضانت را تحت هر شرایطی به والدین تحمیل نمی‌نماید و به محض احراز قصور و کوتاهی در انجام وظایف و یا فقدان صلاحیت آنان، دادگاه طبق مواد ۱۱۷۳ ق. م و ۱۳ قانون حمایت سال ۵۳ و ماده ۴۱ قانون حمایت جدید تصمیم مقتضی اتخاذ و حضانت طفل رابه فرد واجد شرایط واگذار می‌نماید.[2]

بنابراین می‌توان گفت هر چند قانون‌گذار حضانت را امری الزامی برای والدین دانسته است. اما در صورتی که عدم لیاقت والدین احراز گردد دادگاه ابتدا تمام تلاش و مساعی خود را در جهت اصلاح موضوع به کار می‌بندد ولی در نهایت، سلامت طفل را در اولویت قرار داده و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود ولو این که به سلب حق حضانت حاضن منتهی گردد.

در خلاصه و جمع‌بندی این فصل می‌توان گفت که حضانت بنا به مصلحت کودک و برای مواظبت و نگهداری وی تشریع شده است. لذا هر کس که قادر به ادای آن باشد، او بیش از دیگران نسبت به حضانت استحقاق دارد. هرچند که مادر غالباً به دلیل توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خاص خود با رعایت شرایطی ضروری، به این امر سزاوارتر است. منظور از شرایط ویژه، عدم ازدواج او با مرد دیگری غیر از پدر

---

۱. ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده «هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع ملاقات طفل یا اشخاص ذیحق شود او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی ۱ هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حد اکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید در صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. »

۲. ماده ۱۱۷۳ق. م «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل و یا در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند. اتخاذ کند. »

ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده «در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقرابای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلاً تصمیمی در این مورد اتخاذ شده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان‌بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه به پرداخت آن می‌شود».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

کودک است؛ چون در غیر این صورت مادر فراغت لازم را ندارد و نمی‌تواند به طور کامل به امور کودک بپردازد. زیرا بسیاری از شوهران بچه‌ی مردان دیگر را تحمل نمی‌کنند. به همین خاطر، وجود کودک در حضانت مادری که با دیگری ازدواج نموده، نه به صلاح او است و نه به صلاح مادر.

فقهای امامیه نیز در بیان مبانی مشروعیت حضانت به قران کریم، سنت، اجماع و سیره عقلا استناد نموده‌اند.

الف) قرآن کریم: موضوع مراقبت و نگهداری و تربیت کودکان اگرچه تحت عنوان حضانت و از ماده (حضن) بکار نرفته اما مبحث مراقبت از کودک وتأمین نیازهای او مطرح شده و مورد نص قرار گرفته است.

آیه ۲۳۳ سوره بقره که می‌فرماید: «و الوالدت یرضعن اولادهن حولین کاملین. . . . تعملون بصیر» یعنی مادران بایست دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند. . . این آیه عمدتاً به وظایف والدین نیست به فرزندان می‌پردازد و مفسرین بر این عقیده‌اند. که عبارت: «و الوالدات یرضعن اولادهن» جمله‌ای خبری است که به معنی امر می‌باشد و عبارت «و علی المولودله رزقهن وکسوتهن بالمعروف» نیز حکایت از این دارد که پدر هم موظف است مخارج متعارف زندگی زن را از لحاظ غذا و لباس و غیره تأمین کند تا او با خاطری آسوده به پرورش فرزند همت گمارد (الطوسی، بی تا: ۲۵۸).

از طرفی تکلیف هرکسی به اندازه وسع و توان اوست برخی مفسرین معتقدند پرستاری و شیردادن حق زن است و مرد نباید در این مورد موجب زحمت و زیان زن شود. و زن هم نباید موجبات زحمت و مشقت شوهر را فراهم و او را از دیدن بچه خود منع نماید (طباطبایی، بی تا: ۳۰). «و لا تضار والده بولدها و لا مولود بولده»

از مجموع روایات وارده در این خصوص می‌توان استفاده کرد که مضاره در آیه شریفه به معنای ضرر مالی و نفسی نیست بلکه به این معناست که هریک از زوجین دیگری را از طرق مختلف خصوصاً از بین بردن فرزند در حرج و مشقت قرار دهد (خردمندی، بی تا: ۲۰۲).

پیامبراسلام(ص) در تفسیر این آیه می‌فرمایند خداوند ازاینکه پدر به فرزندش آسیب برساند و او را از مادرش جدا کند نهی کرده در حالیکه مادر حاضر باشد با اجرتی که دیگران می‌گیرند به فرزندش شیر دهد همچنین مادر از واگذاردن فرزند به پدر به قصد اضرار به او نهی شده است (الطوسی، بی تا: ۱۰۰).

البته با توجه به تفسیرهایی که برخی از مفسرین از تفسیر آیه‌های ۴۰ سوره طه و ۱۲ سوره قصص و ۳۷ و ۴۴ آل عمران و ۷۵ سوره انفال نیز بعمل آورده‌اند، چنین برمی آید که موضوع تربیت و نگهداری و سرپرستی کودکان و وظیفه والدین در قرآن کریم مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است. به نحوی که درد و سوره «طه» و «قصص» به بیان ماجرای حضرت موسی(ع) می‌پردازد در این دو سوره خداوند متعال پس از بیان اینکه مادر موسی با الهام غیبی، موسی را به دریا انداخت و آسیه همسر فرعون او را از آب گرفت. یادآور می‌شود که موسی از خوردن شیر زنان دایه خودداری می‌کند و به توصیه خواهر وی به خانواده‌اش برگردانده می‌شود (الطبرسی، بی تا: ۲۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ب) سنت: از معصومین(ع) روایاتی نقل گردیده که حکایت از اهمیت موضوع نگهداری وتربیت کودکان دارد. از آن جمله می‌توان به روایتی از امام صادق(ع) اشاره کرد که بر وظیفه والدین در امر حضانت دلالت دارد. و فرموده‌اند «مادام الوالدفی الرضاع فهو بین الابوین بالسویه فإذا عظم فالاب احق به من الام فإذا امات الاب فالام احق به من العصبه». یعنی نگهداری کودک در دوران شیرخوارگی بین پدر و مادر مساوی است و پس از تمام شدن این دوره، پدر دارای حق تقدم می‌باشد و هنگامی که پدر فوت کند، مادر نسبت به سایر خویشاوندان دارای اولویت است (مجلسی، ۱۴۰۱: ۱۳۳).

در روایت دیگری در مورد مردی که از همسرش جدا شده و دارای فرزند بودند در این باره معصوم می‌فرمایند «المراه احق بالولدمالم تتزوج» (الکلینی الرازی، ۱۴۰۷: ۴۵).

طبق این روایت حتی با جدایی والدین از یکدیگر تکلیف آنان نسبت به نگهداری طفل کماکان باقی است و محدودبه زمان نکاح نمی‌باشد.

در روایت حلبی به نقل از امام صادق آمده: برای زن مطلقه‌ی حامله تا زمانی که وضع حمل نماید نفقه پرداخت می‌شود و چنانچه او به میزان اجرت پرداختی به زنان دیگر حاضر به ارضاع طفل خود باشد او اولاتر است زیرا خداوند متعال فرموده‌اند: مادر و پدر به فرزندانشان زیان نرسانند (همان، ۱۰۳). با توجه به این روایت درمی‌یابیم که نفقه متعلق به جنین است نه زن مطلقه و نیز پرداخت نفقه جنین ازباب حضانت نبوده بلکه ازباب مسئولیت والددرمقابل مولداست.

ج) اجماع: در بحث ادله مشروعیت و یا به عبارت دیگر، بیان مبانی اجتهادی حضانت، عموم نص بر حکم موضوع واصل حضانت دلالت دارد. اما علاوه بر قرآن وسنت که فوقاً به آن اشاره شد. بسیاری از فقها در مورد حضانت و برخی شروط حاضن مانند عدم ازدواج مادر به اجماع استناد کرده‌اند. با این توضیح که در اصل حضانت هیچ فقیهی مخالفت نکرده و همگی بر لزوم نگهداری و تربیت و تأمین هزینه فرزندان تأکید نموده و فتوی داده‌اند والدین را از رها کردن کودکان برحذر داشته‌اند. و برای والدین یک نوع اولویت و تقدم مسئولیت در نگهداری فرزندان قائل شده‌اند. بنابراین در اصل حضانت تمام فقها متفق القول بوده و اختلافی فی مابین آنها وجود ندارد معهذا محل اختلاف نظرعموماً در فروعات حضانت صادق است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۵).

د) سیره عقلا: در کلیه ادوار تاریخ و جوامع بشری هرگز کودکان بدون سرپرست رها نشده‌اند چرا که در غیر این صورت یا نسل آدمی کلاً منقرض می‌گردید و یا تعداد اندکی از آنان باقی می‌ماند. این موضوع نه تنها در میان انسان‌ها که موجوداتی صاحب خرد و متمدن می‌باشند بلکه در میان تمامی موجودات جاندار دیگر حتی حیوانات، حشرات و پرندگان و. . . وجود داشته است. آدمی نه تنها به حکم احساسات و غریزه بلکه به حکم عقل نسبت به اعمال خود و نتایج آن همواره مسئول بوده است. خصوصاً زمانی که نتیجه، یک موجود زنده باشد، بنابراین حق حضانت یکی از حقوق مسلم هر طفلی است که دارای پشتوانه عقلانی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

می‌باشد و در اصل، حکم انشایی اسلام نبوده بلکه دین مبین اسلام این حکم عقل را تأیید و امضاء کرده است.

۳- ضمانت اجراهای حضانت

ضمانت اجرا آن قدرتی است که برای نگارستن قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می‌شود.

با توجه به اینکه حضانت دارای اهمیت زیادی درزندگی و سرنوشت افراد به ویژه اطفال می‌باشد. لذا در این خصوص ضمانت اجراهای مختلفی نیز به شرح ذیل پیش‌بینی گردیده است.

۳-۱ ضمانت اجرای عدم مواظبت و تعلیم و تربیت طفل

طبق ماده ۱۱۷۸قانون مدنی:

«ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود با تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل گذارند.»

با توجه به اینکه مواظبت، مهمتر ازتربیت است لذا این ماده ناظر بر مواظبت نیز می‌باشد.

و در ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مذکور آمده است:

«هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.»

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱ـ اعتیاد زیان اور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲ـ اشتهار به فساد اخلاق و فحشاء.

۳ـ ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی.

۴ـ سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی‌گری و قاچاق.

۵ـ تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

لازم به ذکر است موارد مذکور جنبه حصری ندارد دادگاه ممکن است موارد دیگری را مشمول عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی دارنده حضانت بداند بنابراین دادگاه می‌تواند با شرایط مذکور در ماده حضانت را از پدر یا مادری که حق تقدم دارد گرفته به دیگری یا شخص ثالث واگذار نماید.

ضمناً ایراداتی به این ماده وارد است از جمله:

۱ـ عدم مواظبت را تنها شامل والدین دانسته و به اشخاص ثالثی که ممکن است عهده‌دار امر حضانت شوند توجهی نداشته است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۲ـ صرفاً به خطر افتادن سلامتی طفل در اثر عدم مواظبت راشرط رسیدگی دادگاه قید نموده نه صرف عدم نگاهداری از طفل را.

۳ـ محکمه را در اتخاذ تصمیم مخیر دانسته، نه مکلف. .

هرگاه در اثر کوتاهی و عدم مواظبت پدر یا مادر در نگاهداری کودک خسارتی به دیگران وارد آید مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی سرپرست طفل مسئول زیان وارد شده است همین طور زیان‌های وارد شده به خود طفل را نیز هرگاه ناشی از تقصیر سرپرست در نگاهداری باشد باید بر عهده او دانست (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

همچنین ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته:

«هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت نمی‌باشد، در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد. و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد. رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد. و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص، دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد. »

به موجب ماده ۶ قانون بیماری‌های آموزش مصوب ۱۳۲۰ اگر ولی یا سرپرست صغیر یا سفیه یا دیوانه در معالجه آنان مسامحه کند مجرم است و ماده۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان مصوب ۱۳۵۳- هم پدر یا مادری را که مانع از تحصیل فرزند خود (کمتر از ۱۸سال) تا پایان دوره متوسطه شود یا نام او را برای تحصیل ننویسد. مجرم دانسته است. در این خصوص ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده با صراحت بیشتری به این موضوع پرداخته است. طبق این ماده «هر گاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده. . . او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. همچنین با توجه به ماده ۴۱ قانون حمایت جدید دادگاه در صورت اقتضا و به منظور رعایت مصلحت طفل می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید در هرصورت حکم این مواد مانع از تعقیب متهم چناچه عمل اوطبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. »

۲-۳ ضمانت اجرای امتناع والدین از حضانت

ماده‌ی ۱۱۷۲ قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته:

«هیچ یک از ابوین حق ندارد در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگهداری او امتناع کند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیّم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مدعی‌العموم نگهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت به عهده اوست الزام کند. در صورتی که الزام ممکن یامؤثر نباشدحضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشدبه خرج مادر تأمین کند.»

طبق این ماده دادگاه فقط می‌تواند پدر یا مادری را که قانوناً حضانت به عهده اوست ملزم به انجام وظیفه نماید. اما اگرآن شخص برخلاف حکم دادگاه همچنان از حضانت امتناع نماید. دادگاه طبق قانون مدنی جز واگذار کردن نگاهداری طفل به دیگری با هزینه پدر و در صورت فوت پدر یا عدم تمکن مالی او به خرج مادر، نمی‌تواند ضمانت اجرای دیگری اعمال کند (صفایی، ۱۳۸۷: ۳۶۲).

بنابراین هرگاه مادر در مدتی که حضانت به عهده‌ی اوست از نگاهداری امتناع نماید و اجبار وی نیز ممکن نباشد طفل به هزینه‌ی پدر نگهداری خواهد شد البته به نظر می‌رسد این امر مغایر با اصول حقوقی است زیرا هزینه‌ی انجام تکلیف هر شخصی، به عهده خود اوست.

اما عده‌ای از حقوق‌دانان چنین استدلال نموده‌اند: «قانون هر یک از ابوین را عهده‌دار نگاهداری صغیر در تمام دوران قبل از رشد دانسته و مادر را برای مدتی اولی از پدر شناخته است بنابراین حضانت با قید اولویت برای مادر در مدت مقرر واجب کفایی می‌باشد و چنانچه مادر از آن امتناع کند و نتوان او را اجبار به انجام عمل نمود، پدر اصالتاً دارای وظیفه حضانت است و او عهده‌دار خواهد بود. و هرگاه او نیز امتناع کند به هزینه او طفل حضانت می‌شود. در صورتی که پدر مرده باشد چون حضانت تکلیف منحصر مادر خواهد بود. هزینه به عهده او می‌باشد» (امامی، ۱۳۷۵: ۱۹۴).

در رابطه با این استدلال می‌توان گفت هرچند که نگهداری طفل تکلیف والدین است اما مادر تا سن هفت سال و به دلیل نیازهای طفل دارای اولویت می‌باشد. و در صورتی که ما حضانت راواجب کفایی بدانیم پس هر یک از ابوین می‌تواند از نگهداری امتناع کرده و آن را به دیگری واگذار نماید. که در این صورت الزام ممتنع محل اجرا ندارد. علاوه بر آن اگر اجبار پدر در پرداخت هزینه نگهداری به جهت ولایت قهری وی باشد در صورت فوت پدر باید هزینه نگهداری به عهده جد پدری باشد، نه مادر.

بنابراین به نظر می‌رسد ماده مذکور تکلیف پدر در پرداخت هزینه را از جمله فقها اقتباس نموده باشد. «لوا متنعت الام من الحضانه صار الاب اولی ولو امتنعا معافا لظاهرا جبار الاب». (اگر مادر از حضانت امتناع نماید، پدر در این امر اولی خواهد بود و چنانچه پدر نیز امتناع نماید ظاهر در اجبار پدر است.)

ایراد دیگری که به ماده‌ی ۱۱۷۲ ق. م وارد است اینکه تنها ابوین را در حضانت ملزم نموده در حالی که ممکن است حضانت را شخصی غیر از والدین به عهده بگیرد. در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳- سعی شده درباره‌ی این موضوع جوانب انصاف بیشتر مد نظر قرار گیرد. به عنوان مثال در انتهای ماده‌ی ۱۳ آمده: «. . . دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه به پرداخت آن محکوم می‌شود.»

ماده‌ی ۱۴ قانون مذکور، هم برای ممتنع از حضانت، ضمانت اجرای جزایی در نظر گرفته است به طوری که:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

«هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده. . . او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد شد. . . »

همچنین ماده ۵۴ قانون حمایت جدید در این رابطه مقرر می‌دارد: «هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حد اکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود. »

ماده‌ی ۱۱۷۲ ق. م مقرر داشته است:

«. . . در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد. حضانت به خرج پدر است. » در این ماده قانون‌گذار ما صرف نظراز اینکه امتناع کننده چه کسی است هزینه حضانت را به عهده پدر گذاشته از این جمله می‌توان نتیجه گرفت که هزینه‌های حضانت بخشی از نفقه و به عهده پدر است. اما از جمله «هرگاه پدرفوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند. »

به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار از الزام مادر در این ماده به نوعی تنبیه وی باشد، چون ممکن است پس از فوت پدر، طفل واجب النفقه مادرش نباشد. بنابراین بهتر آن بود چنانچه قانون گذار، هزینه‌های حضانت را بخشی از نفقه می‌دانست بدون توجه به شخص امتناع کننده آن را به دوش واجب النفقه طفل می‌نهاد. و چنانچه نگرشی جزایی نسبت به این هزینه‌ها داشت. مطقاً آن را به عهده ممتنع گذاشته و وی را به این صورت مجازات می‌نمود.

۳-۳ ضمانت اجرای ممانعت از اجرای حکم حضانت

طبق ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱ هر کس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد حسب تقاضای ذی‌نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رای نخستین تا زمان اجرای حکم باز داشت می‌شود. ضمانت اجرای مقرر در این ماده به نفع طفل و کسی است که امر حضانت به او واگذار شده چرا که مستنکف ازتحویل و سپردن طفل به دارنده حق حضانت در صورت استنکاف از حکم الزامی محکمه به حبس تا اجرای حکم و بدون قید مدت محکوم خواهد شد (لطفی، بی تا: ۲۷۸).

ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ در جهت حمایت از طفل و دارنده حق حضانت مقرر داشته است که:

«اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناًحق مطالبه دارند. امتناع کند به مجازات ازسه ماه تاشش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. »

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

این ماده ناظر بر موردی است که فرد از تحویل طفلی که بدو سپرده شده امتناع کند اما اگر شخص ممتنع طفل را دزدیده باشد، دیگر تحت مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت و مشمول ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی می‌شود که مقرر داشته است:

«هرکس به قصدمطالبه وجه. . . یا به هرمنظوردیگر. . . شخصی را برباید. یامخفی کندبه حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شده. . . »

و اگر طفل دزدیده شده نوزاد باشد ماده ۶۳۱ قانون مذکور حاکم و لازم‌الاجرا است. طبق این ماده:

«هر کس طفلی را که تازه متولد شده است. بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید. به شش ماه تاسه سال حبس محکوم خواهد شد. و چنانچه احراز شود. که طفل مزبورمرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

نکته قابل توجه در مورد مواد ۶۲۱ و ۶۳۱- در این است که مقنن مجازات آدم ربایی افراد زیر پانزده سال را پانزده سال حبس تعیین نموده اما برای دزدیدن طفل تازه متولد شده که مسلماً از حساسیت بیشتری برخوردار است و حتی امکان تلف شدن در این موارد بیشتر است. فقط شش ماه تاسه سال حبس معین نموده یعنی قانون‌گذار ما نه تنها مجازات سارق طفل تازه متولد شده را تشدید ننموده بلکه آن را تقلیل هم داده است.

٤-۳ ضمانت اجرای ممانعت از ملاقات طفل

فقهای امامیه و شافعیه درباره‌ی حق ملاقات اتفاق نظر دارند مبنی بر اینکه کسی که طفل نزد او نیست حق ملاقات دارد. و کس که طفل نزد اوست حق منع اولی از ملاقات را نخواهد داشت (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۲).

ماده‌ی ۱۱۷۴ قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته:

«هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نمی‌باشد حق ملاقات طفل خود را دارد. »

همچنین مقنن در ماده‌ی ۱۲ قانون حمایت سابق و مواد ۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۴۲ قانون جدید حق ملاقات اطفال را به رسمیت شناخته و ضمانت اجرای مدنی و کیفری خاصی در ماده ۱۴ قانون سابق و مواد ۴۱ و ۴۲ قانون جدید پیش‌بینی کرده است علاوه بر آن طبق تبصره ماده ۴۱، قوه قضائیه را مکلف نموده برای نحوه ملاقات والدین با طفل ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم نماید.

چنانچه ابوین یا یکی از آن‌ها صلاحیت اعمال حق حضانت را از دست داده باشد در اینکه آیا امکان ملاقات کودک برای چنین پدر یا مادری قانوناً وجود دارد یا خیر؟ می‌گوئیم با توجه به اینکه دیدن نسل خود حق طبیعی پدر و مادر است ملاقات طفل را نمی‌توان به طور کلی از ابوین سلب نمود البته قرار دادن شرایط قید در محدودیت زمانی و مکانی برای ملاقات در جهت حفظ مصالح کودک فاقد اشکال است اما

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

حق ملاقات مادر و پدر در هر صورت ثابت و باقی است و این حق را نمی‌توان حتی از والدین فاسد الاخلاق سلب کرد (لطفی، بی تا: ۲۸۰).

در این رابطه اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا پدر می‌تواند از ملاقات مادر فاسد الاخلاق با فرزندش جلوگیری نماید؟

طی جوابیه شماره ۷/۴۴۴ ۱۳۶۲/۹/۱۰ اعلام نموده است.

ماده‌ی ۱۱۷۴ قانون مدنی حق ملاقات طفل را برای هر یک از ابوین شناخته است بنابراین حق ملاقات را نمی‌توان از مادر فاسد الاخلاق دریغ نمود ولکن می‌توان این ملاقات را در یک محیط مناسب و با حضور اشخاص مورد اعتماد برقرار کرد.

البته قانون‌گذار در تبصره ماده ۴۱ قانون جدید این موضوع را مورد تاکید قرار داده است شایان ذکر است طبق نظریه ۷/۸۷۲۸- ۸۳/۱۱/۲۰ اداره حقوقی قوه قضائیه چنانچه کسی که حضانت طفل به وی سپرده شده مانع ملاقات طفل به اشخاص ذیحق شود عمل وی مشمول ماده‌ی ۱۴ق حمایت خانواده خواهد بود.

البته در بعضی موارد هم قانون‌گذار به بیان حکم پرداخته ولی برای اجرای آن ضمانتی معین ننموده و ظاهراً آن را به وجدان و اخلاق اشخاص واگذار کرده است در مبحث حضانت نیز احکام فاقد ضمانت اجرا وجود دارد که تعدادی از آن‌ها عبارتند از:

۱ـ ماده‌ی ۱۱۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر دهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.»

اما در صورت وابسته بودن حیات طفل به شیر مادر و امتناع او از این امر، هیچ گونه ضمانت اجرایی برای الزام وی تعیین نگردیده است هرچند که این امر بعید و یا حتی می‌توان گفت ناممکن است و احتمالاً به همین جهت قانون‌گذار برای آن ضمانتی معین نکرده است.

۲ـ ماده‌ی ۱۱۷۷ قانون مدنی می گوید:

«طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند. »

این ماده نیز فاقد ضمانت اجرا می‌باشد و بیشتر جنبه اخلاقی دارد.

۳ـ ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

«ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. »

هرچند بسیار بعید به نظر می‌رسد که والدین به قصد اضرار به طفل خود او را تنبیه نمایند. اما گاهی از روی ناآگاهی ممکن است به کودک صدمات جبران‌ناپذیری وارد شود. لذاشایسته بود که قانون‌گذار حدود تادیب متعارف را معین می‌نمود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

٤- سقوط حق حضانت

٤-١ مفهوم سقوط

سقوط به معنای تنزل و از بین رفتن حق است. . . و همچنین است عدم اعمال حق به علت مضی شرایط یاموعدی که دادگاه باقانون معین کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۵۹).

به طور کلی وقتی موضوع یک امر حقوقی به دلیلی از دلایل قانونی منتفی شود، بالتبع آن آثار و تعهدات جانبی آن نیز منتفی می‌گردد. درباره‌ی سقوط حضانت باید گفت این پدیده برای اشخاصی متصوراست که با وجود دارا بودن حق مزبور معذالک قانون‌گذار آنان را از اعمال آن محروم نموده. لذا سقوط حضانت برای افرادی که فاقد این حق بوده و یا در مقامی نیستند که قادر به اعمال آن باشند، بی‌معنی است. به عبارتی در سقوط حضانت فرد، بالقوه دارای حق حضانت بوده، اما به صورت بالفعل به دلیل پاره‌ای مسائل که در ذیل قید خواهد شد، قادر به اعمال این حق نیست.

به بیان روشن‌تر، گفته شد که برای استحقاق حضانت برخی شروط عام و خاص مورد نیاز است. کسانی که دارای آن شروط باشند، می‌توانند از حق حضانت بهره‌مند گردند و در صورت فقدان همه یا برخی از این شروط، حق آنان در حضانت، ساقط می‌شود (الزیدان، ۲۰۰۰: ۱۰۳۳۵).

در میان اهل سنت، حضانت با چهار چیز ساقط می‌شود:

۱ـ سفر انتقالی حاضن و رفتن او به نقطه‌ای دور.

۲ـ وجود زیان در بدن حاضن، مانند: جنون، جذام و برص.

۳ـ فسق یا قلّت دَین نسبت به حضانت، به این صورت که نسبت به کودک، امانت‌دار نباشد. این شرط، مورد اتفاق تمام مذاهب اهل سنت است.

٤ـ ازدواج حاضن

این چهار شرط را مالکیه بیان کرده‌اند و سایر مذاهب نیز در اغلب این شروط با آنان موافقت نموده‌اند (بهوتی، ۱۴۱۸: ۱۵۱).

از دیدگاه شافعیه و حنابله به خاطر کفر نیز حضانت ساقط می‌شود (الشربینی، بی تا: ۶۵).

به اتفاق تمامی مذاهب اهل سنت، به خاطر جنون یا مختل النظر بودن نیز حضانت ساقط می‌گردد.

٤-٢ از بین رفتن شرایط حضانت

از نظر فقهای شافعی و سایر مذاهب اهل سنت فقدان یا از بین رفتن هریک از شرایط حاضر موجب سقوط حضانت است مانند ازدواج مادر با غیر محرم کودک. در خصوص سفر انتقالی حاضن به نظر عده‌ای از فقهای اهل سنت، هرگاه مادر، کودک تحت حضانت خود را از شهری که ولی او در آن سکونت دارد به شهری نزدیک که رفت و برگشت در یک روز ممکن باشد ببرد حضانت ساقط نمی‌شود. همچنین به نظر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

حنفیه بردن کودک به سرزمینی که عقد ازدواج والدین در آن صورت گرفته است باعث سقوط حضانت نخواهد شد اما انتقالی که موجب ضرر کودک باشد یا امنیت او را به خاطر اندازد ممنوع است.

فقهای اهل سنت ازدواج مادر با خویشاوند محرم کودک را از موانع حضانت مادر ندانسته (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۴۸)، به نظر عده‌ای از فقهای شافعیه ازدواج مادر با یکی از محارم کودک نیز در صورتی که پدر به حضانت طفل توسط مادر رضایت دهد موجب ساقط شدن حضانت مادر نمی‌شود (الشربینی، بی تا: ۴۵۵).

مسأله‌ای که اکثریت فقها بدان اشاره نموده‌اند. این است که با رشد و بلوغ طفل، حضانت ابوین از وی ساقط می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۱). به عبارت دیگر همان‌گونه که پیش از این نیز بارها بیان شد رشد و بلوغ نشانگر اتمام دوره حضانت است البته با توجه به مباحثی که در بخش شرایط فرزند بیان شد از کلام فقها این طور استنباط شد که به نظر می‌رسد آنان بلوغ را پایان دوره صغر قرار داده‌اند. زیرا یکی دیگر از محجورینی که برشمرده بودند. سفیه یعنی غیر رشید بود. حال اینکه چرا در کلام خود برای اتمام حضانت رشد را نیز هم پای بلوغ قید کرده‌اند شاید بدین جهت باشد که فقها حضانت را علاوه بر صغیر، برای مجنون نیز برشمرده‌اند و شاید از روی مسامحه لغت رشد را بجای عقل به کار برده باشند.

به عبارت دیگر با توجه به اینکه فقها صغارت و جنون را از شرایط مستحق حضانت می‌دانستند لذا با فقدان این شرایط، فرد از تحت حضانت خارج خواهد شد. یعنی با بلوغ و یا عقل کودک حضانت والدین از وی ساقط می‌شود.

همین طور عامل دیگری که موجب سقوط حضانت می‌گردد، فقدان هر یک از شرایط حاضن است. چنانکه در بخش شروط حضانت قید شد، فقها، شروط متعددی را برای سرپرست طفل قید نموده بودند، که به دلیل جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر مجدد آن در می‌گذریم. حال در هر زمانی که اثبات شود که حاضن این شرایط را از دست داده، حق حضانت وی سلب خواهد شد (الجبعی العاملی، بی تا: ۴۲۲).

در صورت فوت صغیر یا مجنون، نیز قضیه سالبه به انتفاع موضوع بوده لذا قضیه حضانت خود به خود ساقط می‌گردد.

چگونگی سقوط حضانت در فقه و حقوق یکسان است، با این تفاوت که در حقوق، تنها صحبت از حضانت صغیر است لذاپایان حضانت وی را باید بلوغ دانست. اما در صورتی که در زمان بلوغ فرد غیر رشید و یا دیوانه باشد بنا به تصریح ماده‌ی ۱۱۸۰ قانون مدنی به نظر می‌رسدکه ازدایره حضانت خارج شده وتحت شمول ولایت قرار می‌گیرد. ماده‌ی ۱۱۸۰ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر وجد پدری خود می‌باشد. و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.»

مسلماً سفیه بالغ از نظر نگهداری خود مشکل ندارد. بلکه تنها به دلیل ضعف در اداره امور مالی خود (ماده‌ی ۱۲۰۸ قانون مدنی) نیازمند ولی است. همان‌گونه که در مقایسه حضانت و ولایت نیز بیان شد،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

حضانت محدود به نگهداری و تربیت بود و ولایت تنها اداره امور مالی را در بر می‌گرفت. همچنین درباره‌ی مجنونی که جنون‌اش متصل به صغراست، همان‌گونه که از کلام قانون‌گذار درک کردیم حضانت تنها مختص اطفال است لذا به محض بلوغ باید تکلیف حاضن را پایان یافته دانست و مسلماً مسئول جنون وی تا پایان عمرش نیستند، و از این پس مسئولیت وی ولی قهری است.

جمهور فقهای اهل سنت و امامیه قائل به اعاده حق حضانت پس از رفع مانع می‌باشد. اما مالکیه خلاف چنین نظری داشته و معتقد است اگر حاضنه حق حضانت خود را بدون عذر موجه و به صورت ارادی اسقاط کند این حق برای همیشه ساقط و قابل اعاده نخواهد بود.

در پایان ذکراین نکته لازم می‌نماید که فقدان شرایط مذکور، از دید اکثر علما و حقوقدانان، مانعی در راه اجرای حضانت است. مانند ازدواج مجدد مادر که با وقوع طلاق وی، حق حضانت مجدداً به وی بازمی‌گردد. پس در صورت فقدان این شرایط حق حضانت به طور موقت ساقط خواهد شد.

اما به محض رفع آن، این حق به والدین عودت خواهد شد، زیرا حضانت حق مسلم والدین است، و تا عاملی موجه نباشد، نمی‌توان آنان را به طور دائم از این حق محروم نمود. اما سایر شرایط بیان شده، مثل بلوغ طفل، عاقل شدن مجنون و یا فوت محضون، موجب سقوط این حق به طور دائم می‌گردد.

نتیجه‌گیری:

موضوع حضانت از طفل واستقلال ازحمایت های قانونی وتعیین زمان پایان حضانت موضوع اختلاف نظر میان حقوقدانان وقضات است و به لحاظ فقدان رویه قضایی، محاکم درپرتو استنباط ازمقررات به صدور احکام مربوطه در این خصوص می پردازند. حضانت طفل قبل از اینکه یک امر حقوقی ویا یک تکلیف قانونی تلقی شود یک امر اخلاقی وخانوادگی است و به حکم لطایف وظرایفی که دراجرای آن وجود دارد طبعاً تنها ضمانت اجرای حقوقی نمی تواند کاملاًدراجرای حقوق و تکالیف والدین نسبت به طفل نظارت نماید. مضافاًبه اینکه درقانون مدنی ایران درمورد حضانت تنها برای بعضی از حقوق وتکالیف، ضمانت اجرا تعیین نموده، درحقوق ایران درمورد حضانت طفل سه مورد وجود دارد که ضمانت اجرا پیش‌بینی شده: اولین مورد این است که فرد یا افراد یا موسسه از اعمال حضانت شخص دارنده حق حضانت جلوگیری نماید وبرای اینکار ممکن است به یکی ازاقدامات زیر دست بزنند. طفل را از والدین او یا کسی که حق حضانت او را دارد برباید یا از تسلیم کردن طفل به آنها خودداری کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابن منظور، محمد (۱۴۰۸). لسان العرب، ج اول، دارالحیائ التراث العربی، بیروت.

ـ امامی، سید حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی، دارالاسلامیه، قم.

ـ بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۸). کشاف القناع، دارالکتب العلنیه، بیروت.

ـ الجبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (بی‌تا). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، بیروت.

ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، گنج دانش.

ـ خردمندی، سعید (بی تا). تحریر مالک، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه.

ـ الزیدان، عبدالکریم (۲۰۰۰). المفصل فی أحکام المرأة المسلمة، الطبعة الثانیة، مؤسسة الرسالة، قاهره.

ـ الشربینی، محمد الخطیب (بی‌تا). مغنی المحتاج إلی معرفة معانی ألفاظ المنهاج، دار الفکر، بیروت.

ـ صفائی، سید حسین (۱۳۸۷). حقوق خانواده، دانشگاه تهران، تهران.

ـ طباطبایی، حسین (بی‌تا). به قلم مصباح یزدی، محمدتقی، ترجمه تفسیر المیزان، مؤسسه مطبوعاتی، دارالعلم، ج ۴، قم.

ـ الطبرسی، الفضل بن الحسن (بی‌تا). مجمع البیان فی تفسیر القران، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، بیروت.

ـ الطوسی، محمدحسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القران، دار احیاء تراث العربی، بیروت، بی تا.

ـ کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). ضمان قهری، دانشگاه تهران.

ـ الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الفروغ من الکافی، تهران.

ـ لطفی، اسدالله (بی تا). حقوق خانواده، ج ۲، انتشارات خرسندی، تهران.

ـ مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۱). بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]